

The Future of Political-Security Relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia

(A case study of Peace of Ibrahim)

Mostafa Esmaeili

Assistant Professor in International Relations, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding author).

Esmaili@sndu.ac.ir

Hamidreza Hashemei

PhD Student in National Security, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Hr.hashemi00@sndu.ac.ir

Abstract

Saudi Arabia is considered among the most influential countries in the Arab world. Countries such as Egypt, Syria and Jordan played a central, decisive and effective role in the politics of the Arab world in some historical periods. But in the current situation, such a special role is considered as the responsibility of Saudi Arabia. Saudi Arabia has special economic capabilities, and over the past years, has tried to play an effective role in line with the goals, policies and security priorities sought by the United States in the regional environment through pragmatic mechanisms in parallel with tactical and selective offensive action. These efforts, along with Iran's position in the region and the world and some religious and ethnic divisions, have led to the formation of a full-scale competition between the two countries before and after the Islamic Revolution. In this regard, the purpose of this research is to estimate the future scenarios of the political-security relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia, despite the recent rapprochements and alliances such as the Abraham accords. This article is of a developmental-applicative type while an attempt has been made to describe the future of the aforementioned relations with the help of the GBN scenario writing method for the proper analyzing of the future political-security relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia. the required data is collected through the analysis of documentaries, library sources and focus groups, and in the quantitative part with the help of field surveys, interviews and questionnaires. The questionnaire data used to explore the drivers, key factors of change and uncertainties have been prioritized and weighted using quantitative methods. Finally, according to the key uncertainties extracted from the questionnaire, four scenarios are formulated and examined: 1) the worst; Convergence of the Saudi Arabian community and non-revival of the JCPOA, 2) the best; The divergence of the Saudi Arabian community and the revival of the JCPOA, 3) the continuation of current trends; The divergence of the Saudi society and the non-revival of the JCPOA, 4) unbridled; The convergence of the Saudi Arabian community and the revitalization of the JCPOA.

Keywords: Future Studies, Political-security Relations, J.A. Iran, Saudi Arabia, Ibrahim's peace.

آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی (مطالعه موردی صلح ابراهیم)

مصطفی اسماعیلی

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Esmaili@sndu.ac.ir

حمیدرضا هاشمی

دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
Hr.hashemi00@sndu.ac.ir

چکیده

عربستان سعودی در زمره کشورهای تأثیرگذار در جهان عرب محسوب می‌شود. کشورهای همانند مصر، سوریه و اردن در برخی از دوران‌های تاریخی نقش محوری، تعیین‌کننده و اثربخش در سیاست کشورهای جهان عرب را عهده‌دار بودند، اما در شرایط موجود چنین نقش و کارویژه‌های بر عهده عربستان قرار دارد. عربستان از قابلیت‌های اقتصادی ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و در طی سال‌های گذشته تلاش نموده تا از طریق سازوکارهای عمل‌گرایانه به موازات کنش تهاجمی تاکتیکی و گزینشی نقش مؤثری در راستای اهداف، سیاست‌ها و امنیت مورد نظر ایالات متحده در محیط منطقه‌ای ایفا کند. این تلاش‌ها در کنار جایگاه ایران در منطقه و جهان و برخی شکاف‌های مذهبی و قومی منجر به شکل‌گیری رقابت تمام‌عیار میان دو کشور پیش و پس از انقلاب اسلامی شده است. در این راستا هدف از این پژوهش، با وجود توافقات و ائتلافات اخیر مانند صلح ابراهیم، سناریوهای آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی برآورد شود. این مقاله از نوع توسعه‌ای - کاربردی بوده و تلاش شده تا ضمن تحلیل آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، آینده مناسبات مورد اشاره با کمک روش کیفی سناریونویسی GBN توصیف شود. جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز با کمک بررسی‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و گروه‌های کانونی و در بخش کمی نیز با کمک بررسی‌های میدانی، مصاحبه و پرسشنامه گردآوری شده‌اند. داده‌های پرسشنامه مورد استفاده که با آن به اکتشاف پیش‌ران‌ها، عوامل کلیدی تغییر و عدم قطعیت‌ها پرداخته شده، به کمک روش‌های کمی اولویت‌بندی و تعیین وزن شده است. سرانجام با توجه به عدم قطعیت‌های کلیدی مستخرجه از پرسشنامه چهار سناریوی: ۱- بدترین؛ همگرایی جامعه عربستان سعودی و عدم احیای برجام، ۲- بهترین؛ واگرایی جامعه عربستان سعودی و احیای برجام، ۳- تداوم روندهای کنونی؛ واگرایی جامعه عربستان سعودی و عدم احیای برجام، ۴- افسار گسیخته؛ همگرایی جامعه عربستان سعودی و احیای برجام، تدوین شده است.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، مناسبات سیاسی - امنیتی، ج.ا.ایران، عربستان سعودی، صلح ابراهیم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

فصلنامه راهبرد، سال ۳۱، شماره ۳، پیاپی ۱۰۴، پاییز ۱۴۰۱، صص ۴۶۷-۵۰۰

مقدمه و بیان مسئله

در میان کشورهای منطقه خلیج فارس، عربستان سعودی از مهم‌ترین کشورهای عربی در جنوب غربی آسیا محسوب بوده که نقش محوری و اساسی را در منطقه بازی می‌نماید. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی دو کشور مهم و تأثیرگذار در این منطقه با دو رویکرد کاملاً متفاوت از منظر ژئوپلیتیک می‌باشند. این دو کشور تا پیش از انقلاب اسلامی ضمن رقابت، روابطی مبتنی بر احترام متقابل و همکاری برای از بین بردن تهدیدات مشترک بودند، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و خروج آن از ساختار ژئوپلیتیک غرب باعث شد تا در معادلات راهبردها منطقه و به‌ویژه روابط تهران - ریاض، چرخشی اساسی ایجاد شود. در چنین فضایی، ایدئولوژی و ساختار سیاسی و انقلابی «شیعه» در تقابل با ایدئولوژی و ساختار سلطنتی «سنی و وهابی» قرار گرفت، به‌گونه‌ای که موجب واگرایی در روابط آنها و کنش‌های نامتقارن بین آنها شد. به‌رغم اینکه در برخی از ادوار شاهد گسترش روابط و تنش‌زدایی میان این دو کشور بوده‌ایم، اما همواره میزانی از رقابت و خصومت‌های آشکار میان آنها وجود داشته و دارد که نشئت گرفته از هویت متمایز سیاسی «ایرانی - عربی» و رقابت‌های آنها در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بوده است. این رقابت تضادگونه در سال‌های اخیر با وقوع تحولات در جهان عرب و در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، شکل جدیدی به خود گرفته و منجر به جدال در حوزه‌های سیاست خارجی میان آنها شده است. عربستان سعودی چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم (نیابتی توسط بازیگران غیردولتی) به منافع جمهوری اسلامی ایران در کل منطقه غرب آسیا حمله می‌کند و در عرصه اقتصادی نیز در ایجاد محدودیت و تحریم برای کشورمان می‌کوشد، زیرا ملک سلمان و محمد بن سلمان از ضدایرانی‌ترین افراد خاندان آل سعود هستند که تاکنون در این خاندان به هر گونه ترفندی به قدرت رسیده‌اند و برای کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کنند که این امر را در سیاست‌های ضدایرانی بی‌سابقه عربستان شاهد آن هستیم. آنها در راهبرد کلان خود ایران را اصلی‌ترین دشمن عربستان سعودی تعریف نموده‌اند.

با توجه به کالای راهبرد ضدایرانی در سیاست‌های داخلی و خارجی عربستان سعودی که ارزش فراوانی نیز داشته و در چنین فضای رقابتی و خصمانه و وجود





توافقات آشکار و پنهان جدید عربی - عبری و دیگر ائتلاف‌های عربی، اسرائیلی، آمریکایی مانند صلح ابراهیم که با سیاست بازی‌های پشت‌پرده عربستان سعودی متمرکز و همراه بوده به نوعی به هژمونی آن کشور در سطح منطقه سرعت بخشیده و با اقدامات ضدایرانی به دنبال افزایش فشار و منزوی شدن ایران در منطقه می‌باشد؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران می‌بایست تمامی تلاش خود را در جهت خنثی نمودن رقابت‌های خصمانه از سوی آن کشور و تبدیل آن به رقابت‌های منطقه‌ای مبادرت نماید؛ بنابراین مسئله این پژوهش آن است که؛ با وجود توافقات و ائتلافات اخیر مانند صلح ابراهیم، آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را برآورد و بیان کند.

۱. اهداف پژوهش

۱-۱. هدف اصلی

با وجود توافقات و ائتلافات اخیر مانند صلح ابراهیم، سناریوهای آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی برآورد شود.

۱-۲. اهداف فرعی

- ۱- کشف و استخراج مهم‌ترین عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر در آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی ارائه شود.
- ۲- خطوط اصلی سناریوهای مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی ارائه شود.
- ۳- پیش نشانگرهای سناریوهای مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی ارائه شود.
- ۴- توصیه‌های راهبردی قابل قبول از آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی ارائه شود.

۲. پرسش‌های پژوهش

۲-۱. پرسش اصلی

با وجود توافقات و ائتلافات اخیر مانند صلح ابراهیم، سناریوهای آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدامند؟



۲-۲. پرسش‌های فرعی

- ۱- مهم‌ترین عوامل کلیدی و پیش‌رسان‌های مؤثر در مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدام است؟
- ۲- خطوط اصلی سناریوهای مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدامند؟
- ۳- پیش‌نشانگرهای سناریوهای مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان کدامند؟
- ۴- توصیه‌های راهبردی قابل قبول از آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدامند؟

۳. فرضیه پژوهش

این پژوهش به دلیل آینده‌نگری، سناریونویسی محور اصلی آن بوده و در راستای تحقق آن می‌بایست بر مبنای سؤال‌های اصلی و فرعی به پژوهش آن پرداخت؛ بنابراین فرضیه در این پژوهش جایگاهی ندارد.

۴. پیشینه پژوهش

با توجه به مسئله مهم سیاست خارجی دولت ج.ا.ایران به توسعه روابط با کشورهای همسایه، تحقیقات انجام شده در مورد عربستان سعودی بیشتر به مسائل داخلی و خارجی عربستان سعودی، نظامی، دفاعی، تهدیداتی و شورای همکاری خلیج فارس علیه منافع جمهوری اسلامی ایران از گذشته و حال پرداخته شده است. لیکن با توجه به چشم‌انداز سیاسی عربستان در افق ۲۰۳۰ و تغییرات رویکردی این کشور در زمینه ژئوپلیتیک و وجود ائتلافات جدید عربی - عبری و آمریکایی مانند صلح ابراهیم که می‌تواند در آینده زمینه‌ای برای تهدیدات جدی و احتمالی علیه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و منطقه خلیج فارس شود؛ تمرکز در حوزه مناسبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با وجود توافق ابراهیم مغفول مانده و مطالعات علمی عمیق و دقیقی در این حوزه در قالب سناریونویسی صورت نگرفته است؛ بنابراین، برخی تحقیقات پیرامون عربستان سعودی به شرح زیر ارائه شده است:

- پیرانی، ۱۴۰۰، مقاله‌ای با عنوان «راهبرد سیاسی ایران و عربستان در موج دوم



بیداری اسلامی در کشورهای بحرین، سوریه و یمن» با روش تحلیلی - توصیفی به مطالعه و بررسی سیاست‌های همسایگی دو کشور در جریان بیداری اسلامی و راهبردهای پیش رو در آینده روابط ایران و عربستان سعودی پرداخته و در پاسخ به سؤال آنکه سیاست همسایگی ایران و عربستان نسبت به بیداری اسلامی و تحولات غرب چگونه خواهد بود؛ اعلام داشته که عربستان سعودی خود را به‌عنوان یک سلطنت پایدار، ثروتمند و خیرخواه، متحد غرب، محافظ وضعیت خلیج فارس اسلام موجود و میانه‌رو نشان داده و از سوی دیگر، ایران خود را یک کشور تجدیدنظرطلب، مخالف با ظرفیت رهبری منطقه معرفی می‌کند که منتقد نظم منطقه‌ای فعلی است و در برابر دخالت خارجی در خاورمیانه می‌ایستد و مدافع جنبش‌های منطقه‌ای می‌باشد.

• اختیاری امیری و دهرویه، ۱۴۰۰، مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های داخلی عربستان در پیشبرد سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ در چارچوب نظریه دولت توسعه‌ای» با روش تحلیلی - تبیینی به مطالعه و بررسی این تحقیق پرداخته و نتیجه آنکه در بعد اقتصادی، بی‌توجهی به اصل شایسته‌سالاری در نظام اقتصادی و ناتوانی در ایجاد کارآفرینی رفاه محور و ناکامی در بهبود شرایط اقتصادی، در بُعد سیاسی فقدان ارتباط عمیق با گروه‌های مدنی و اجتماعی در چارچوب مشارکت سیاسی و در بُعد اجتماعی - فرهنگی بی‌توجهی به بنیان‌های مذهبی و سنتی و بافت محافظه‌کارانه جامعه عربستان سعودی، موانع و چالش‌های اساسی سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ را شکل می‌دهند.

• آدمی و مشتاقی، ۱۳۹۹، مقاله‌ای با عنوان «الگوهای سیاست خارجی عربستان سعودی بر اساس چشم‌انداز ۲۰۳۰» با روش تحلیلی - توصیفی به تحقیق مذکور پرداخته و نتیجه آن؛ عربستان از کم‌بسامدترین تحولات در عرصه داخلی و خارجی برخوردار بوده و هیچگاه دست‌خوش انقلاب، کودتا و تحول مبنایی نشده است. ترکیبی از سنت قبیله‌ای، فرمان‌روایی پدرشاهی و حامی‌پروری، آموزه‌های وهابی، اقتصاد رانتی و امنیت برون‌زا متکی به ایالات متحده موجب شده است، عربستان همواره به‌عنوان کشوری خواستار وضع موجود به حساب آید. تا سال‌های متوالی سه دال مرکزی و اصلی در سیاست خارجی عربستان سعودی «محافظه کاری وهابی - اقتصاد نفتی و پیوند امنیتی آمریکا» بود که با ترسیم چشم‌انداز ۲۰۳۰ به‌دنبال تغییر آن سه دال شده است.

• حشمت‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷، مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های منطقه‌ای



ستیزه‌جویانه عربستان سعودی در قبال ج.ا.ایران (۲۰۰۳-۲۰۱۷)، اهداف و پیامدها» با روش تحلیلی - توصیفی به پاسخ به سؤال آنکه چرا سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی از ۲۰۰۳ تاکنون روند تهاجمی فزاینده‌ای داشته پرداخته و نتیجه آن؛ عربستان سعودی در دوره جدید و از سال ۲۰۰۳ به این سو، با توجه به تحولاتی که بعد از جنگ سرد در عرصه بین‌المللی و بعد از سقوط صدام در عراق در عرصه منطقه پدید آمد و با افزایش روزافزون قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر توان اقتصادی و نظامی حاصل از نفت، در سیاست‌های خود در قبال منطقه تغییر و تحول ایجاد کرد و از یک سیاست محافظه‌کارانه و حافظ حفظ وضع موجود به سمت سیاست‌های کنش‌گرایانه، مداخله‌جویانه و تهاجمی سوق پیدا نموده است.

• شاپوری و نورعلی وند، ۱۳۹۷، کتابی با عنوان: «عربستان سعودی تحولات، چالش‌ها و چشم‌انداز» به نوشتار درآوردند و آنها اعلام داشتند عربستان بازیگر مهمی در منطقه، دنیای اسلام و حتی جهان (به‌ویژه در بحث انرژی) است. در سال‌های اخیر، حاکمان سعودی بنا را بر دشمنی شدید و همه‌جانبه با جمهوری اسلامی ایران نهاده و بسیاری از اقدامات داخلی و خارجی خود را معطوف به مقابله با کشورمان کرده‌اند. عربستان وضعیت پیچیده‌ای دارد و در هر دو بُعد داخلی و خارجی با مسائل، تحولات و چالش‌هایی مواجه است که امکان پیش‌بینی چشم‌انداز را دشوار می‌کنند. لیکن به نظر می‌رسد آینده عربستان سعودی تا حدود زیادی تابع روندها و تحولاتی خواهد بود که در سال‌های اخیر و بعد از پادشاه شدن ملک سلمان نمایان شده‌اند.

• امیری مقدم و دیگران، ۱۳۹۷، در مقاله‌ای با عنوان «سناریوهای تهدیدات امنیتی عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» با روش کیفی سناریونویسی GBN، آینده تهدیدات کشور عربستان سعودی علیه ج.ا.ایران را به چهار سناریوی؛ بدترین، واگرایی آل شیخ و آل سعود و همراهی آمریکا - بهترین، واگرایی آل شیخ و آل سعود و عدم همراهی آمریکا - تداوم روندهای کنونی، واگرایی آل شیخ و آل سعود و همراهی آمریکا و همگرایی، آل شیخ و آل سعود و عدم همراهی آمریکا در اقدام نظامی علیه ایران پرداخته و توصیه‌های راهبردی برای مقابله با عربستان سعودی در ارتباط با این چهار سناریو تدوین نموده‌اند.

• هاوز، ۱۳۹۴، کتابی با عنوان «درباره عربستان: مردم، گذشته، دین، خطوط گسست و آینده» به نوشتار آن پرداخته که کتاب بر زندگی مردم سعودی و نحوه





شکل‌گیری و سرکوب شدن جامعه توسط سنت‌ها و مقامات - از شخصیت‌های وهابی و ریش سفیدهای طوایف گرفته تا شاهزاده‌های حاکم - تمرکز دارد و نتیجه آن به‌طور خلاصه آن است که عربستان سعودی از گذشته تا به حال قلب جهان اسلام بوده است، اما امروزه برخی از مردم سعودی اسلام را در جنگ با غرب می‌بینند و عربستان سعودی دیگر برای آمریکا آن متحد مطیع یک نسل پیش نیست و او تلاش می‌کند با چندین قدرت بزرگ ارتباط داشته باشد افراد تحصیل کرده سعودی بسیار علاقه دارند که مدرن شوند اما به‌هیچ‌وجه علاقه ندارند که غربی شوند و کاملاً با دیدگاه آمریکایی مخالفانند که مدرن شدن به معنای غربی شدن است و سعودی‌های دغدغه مردم‌سالاری ندارند، اما خواستار جامعه مدنی بازتری می‌باشند، جایی که بتوانند در آن اجتماع کنند و نظراتشان را بیان نمایند. جایی که قوانین اجتماعی واضح باشند و به‌طور مساوی نسبت به همه اعمال شوند. در خارج از کشور از منظر شاهزادگان سعودی ایران بزرگ‌ترین رقابت تهدیدی است که در دهه‌های اخیر متوجه عربستان سعودی بوده است. و...

۵. چارچوب نظری

۵-۱. سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی دو کشور مهم و تأثیرگذار منطقه به‌شمار می‌روند که به‌نوعی خود را رهبر جهان اسلام و قدرت بلامنازع منطقه قلمداد می‌کنند. این دو کشور تا پیش از انقلاب اسلامی ضمن رقابت، روابطی مبتنی بر احترام متقابل و در چارچوب دکترین دو ستونی «نیکسون - کسینجر»، مجبور به همکاری برای از بین بردن تهدیدات مشترک بودند، اما پیروزی انقلاب اسلامی و خروج آن از ساختار ژئوپلیتیک غرب باعث شد تا در معادلات راهبردها منطقه و به‌ویژه روابط تهران - ریاض، چرخشی اساسی ایجاد شود. در چنین فضایی ایدئولوژی سیاسی و انقلابی «شیعه» در تقابل با ایدئولوژی «سنی و وهابی» سعودی قرار گرفته و موجبات واگرایی در روابط آنها را فراهم ساخت. به‌رغم اینکه در برخی از ادوار شاهد گسترش روابط و تنش‌زدایی میان این دو کشور بوده‌ایم، اما همواره میزانی از رقابت و خصومت آشکار میان آنها وجود داشته، که نشئت گرفته از هویت متمایز «ایرانی - عربی» و رقابت‌های آنها در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بوده است. این رقابت تضادگونه در سال‌های اخیر و با وقوع تحولات ۲۰۱۱ جهان عرب در منطقه



خاورمیانه و شمال آفریقا، شکل جدیدی به خود گرفته و منجر به جدال در حوزه‌های سیاست خارجه آنها شده است. به‌گونه‌ای که در جریان این تحولات هر کدام تلاش می‌کنند تا منافع خود را از طریق محدودسازی منافع دیگری تأمین نمایند. دنبال کردن این دو راهبرد متفاوت باعث ایجاد تقابل راهبردها و رقابت راهبردی بین ایران و عربستان در سطح منطقه شده است. چنان‌که در حال حاضر به‌واسطه ظهور یا تشدید مسائلی از جمله موضوع عراق و القای هلال شیعی، مسائل لبنان، بحرین، فلسطین، سوریه و یمن و نیز تنگ‌تر شدن حلقه امنیتی ایران از سوی ساختار نظام بین‌الملل، علاوه بر اینکه واگرایی در روابط دو کشور تشدید شده، شاهد تغییر روابط آنها از وضعیت رقابت‌گونه به منازعه و جنگ‌های نیابتی هستیم (پارسایی، ۱۴۰۰، ص. ۸۵).

سیاست خارجی ایران مهم‌ترین حلقه واسط و رقابت انقلاب اسلامی با جهان پیرامونی است که در برگیرنده اصولی از جمله حفظ امنیت ملی و موجودیت کشور، صدور انقلاب اسلامی به کشورهای تحت لوای ظلم و ستم، به‌کارگیری راهبرد موازنه منفی و مقابله با محافظه‌کاری حکام منطقه‌ای عرب است. در چارچوب این راهبرد تلاش می‌کند تا از طریق برهم زدن ترکیبات موجود در منطقه، نظم شکل گرفته را تغییر داده و با تعریف یک نقشه منطقه‌ای جدید و طراحی یک چارچوب امنیت ملی - منطقه‌ای و جهانی، آرمان‌ها و اهداف انقلاب خود را در سطح منطقه دنبال کند و در سوی دیگر، حکومت عربستان که حول محور آل سعود گرفته و استمرار یافته است. دارای راهبردی مشخص و اولویت‌های آن به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: شبه جزیره، جهان عرب، جهان اسلام و نظام بین‌الملل می‌باشد. این کشور در راستای اصول سیاست خارجی خود همزمان در سه سطح به‌طور فعال عمل می‌کند، در سطح بین‌المللی؛ که متأثر از اتحاد راهبردی با آمریکا بوده، و نقش عربستان به‌عنوان یک قدرت بزرگ نفتی مطرح است. در سطح منطقه‌ای؛ در حال انجام یک بازی موازنه قدرت در میان همسایگان و به‌خصوص در رقابت با ایران است. و در سطح شبه جزیره؛ در مقابل پادشاهی‌های کوچک عرب منطقه، نقش برادر بزرگ‌تر و قدرت مسلط را ایفا می‌کند (Arraf, 2014, p. 15).

سعودی‌ها در راستای این چارچوب و در روندهای گذشته همواره تلاش کرده‌اند تا از طریق حفظ توزیع قدرت موجود در منطقه، و همچنین ائتلاف با بازیگران عربی و غیرعربی، سیاست‌های محافظه‌کاران خویش را حفظ کنند. به‌گونه‌ای که برای دستیابی به این اهداف سعی کرده‌اند تا با پیروی از یک سیاست خارجی امنیتی و





منفعت جویانه، به‌دنبال ایجاد ناامنی در کشورهای با‌شند که سیاست و خط‌مشی‌های آنها در راستای سیاست‌های ریاض قرار ندارد. چنین فضایی که در یک سوی آن ایران به‌دنبال تغییر وضع موجود در منطقه و در سوی دیگر عربستان به‌دنبال حفظ وضع موجود بوده و باعث شده است تا رویکرد روابط خارجی آنها در حوزه‌های سه‌گانه سیاست خارجی (ایدئولوژی، ژئواکونومی و ژئوپلیتیک)، در تقابل با یکدیگر قرار گرفته و در نتیجه راهبردهای امنیتی متفاوت و متقابلی را در منطقه دنبال کنند (پارسایی، ۱۴۰۰، ص. ۱۰).

بنابراین در حال حاضر، عربستان برای افزایش ۲ میلیونی تولید نفت خود و خروج از توافق اوپک پلاس، سه شرط قرار گرفتن، انصارالله در فهرست سیاه و تروریستی آمریکا، لغو تحریم تسلیحات تهاجمی عربستان از سوی بایدن و ارائه امتیازی مشابه قطر به عربستان و متحد راهبردی خواندن ریاض را مطرح کرده است. و در این شرایط عربستان که خود را از کمک‌های آمریکا برای حل مسئله یمن ناکام دیده، برای تعامل با ایران جدی‌تر شده است. با توجه به تمرکز توان آمریکا در مسئله اوکراین و همچنین تمرکز این کشور بر فشار بر چین به‌واسطه تایوان، آنها توجهی به غرب آسیا نخواهند داشت. از سوی دیگر رأی ممتنع امارات به روسیه در شورای امنیت، این پیام را برای عربستان داشته که آنها در این شرایط از مدار توجه آمریکا خارج هستند. به همین دلیل ریاض به‌دنبال راه‌حلی سعودی برای حل مشکلش است و با توجه به سخنان ولیعهد عربستان مبتنی بر اینکه «رژیم صهیونیستی دشمن نیست، متحد احتمالی است». عربستان خود را در منازعه و مخاصمه با رژیم صهیونیستی نمی‌بیند و روابط اقتصادی، تجاری و پنهان اطلاعاتی میان آنها وجود دارد. در واقع خواهان این است که ایران، عربستان را مانند کشورهای دیگری ببیند که هم‌زمان با رژیم صهیونیستی رابطه دارد و با ایران نیز همکاری می‌کنند. ایران و عربستان رویکرد راهبردی و خط مشترکی در خصوص مسئله فلسطین با یکدیگر ندارند و عربستان دهه‌ها است که اعتقادی به تقابل با رژیم صهیونیستی ندارد و تنها در رأی دادن به نفع فلسطین تشریک مساعی می‌کند. از این‌رو، تغییر سیاستی از سوی عربستان در قبال منطقه ایجاد نخواهد شد و در واقع عربستان می‌خواهد هزینه سنگینی که در جنگ یمن در حال متحمل شدن است، متوقف شود. در شرایط فعلی مسائل میان ایران و عربستان بسیار پیچیده شده و نبود روابط اقتصادی و سیاسی در طول سال‌های اخیر به‌نوعی این شرایط را تثبیت کرده است، اکنون انتظار جدی عربستان از انجام هر نوع گفت‌وگو، حل مسئله یمن و جنگ با این



کشور است. در واقع عربستان می‌خواهد ایران در این رابطه تأثیرگذار باشد. عربستان به‌عنوان کشوری محافظه کار به این نتیجه رسیده است که هر گونه تنش نظامی، مانند دیگر جنگ‌های غرب آسیا، هیچ ثمره‌ای نخواهد داشت و کشورهای غربی تنها نظاره‌گر خواهند بود و هیچ ورودی نخواهند داشت؛ بنابراین در این شرایط باید قدرت‌های اصلی غرب آسیا خودشان مشکلاتشان را حل کنند (پرتو، ۱۴۰۰).

۲-۵. سیاست‌های رفتاری منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی در مقابل کشورهای سوریه و یمن بحران سوریه

بحران سوریه بسیاری از کشورهای منطقه و قدرت‌های دنیا را درگیر خود نمود. کشورهای حاشیه خلیج فارس در جنگ سوریه، از افزایش نفوذ (ایران، ترکیه و روسیه) در این کشور ناخشنود و نگران بودند و هستند (Blanchard, 2021, p. 40) و در این بین عربستان سعودی برای نقش‌آفرینی در سوریه و حمایت از مخالفان رقابت نمود و همین مسئله موجب برخی موضع‌گیری‌ها به شرح زیر بین ایران و عربستان در بحران سوریه شده است.

- در حالی که عربستان مداخله آمریکا را در بحران سوریه به‌طور مداوم تشویق می‌کرد، ایران با مداخله آمریکا و رژیم صهیونیستی در بحران سوریه به‌شدت مقابله کرد. در واقع درگیری اصلی در سوریه بین ایران و عربستان نبود بلکه بین ایران و رژیم صهیونیستی است. از آنجایی که عربستان به این نتیجه رسید که پشتیبانی آمریکا را در سوریه به‌قدر کافی نخواهد داشت و هزینه مداخله در بحران سوریه بیش از فایده آن است، از مداخله در این کشور عقب کشید (McGinn, 2018, p. 9). آنجاکه جمهوری اسلامی ایران اعتراضات در سوریه را توطئه آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای همپیمانان در منطقه می‌دانست از ابتدای بحران سوریه به کمک مستشاری به حکومت اسد پرداخت (پیرانی، ۱۴۰۰، ص. ۸۰۸).

- وقتی سوریه ناآرام شد، عربستان در یک رهبری هماهنگ با شورای همکاری خلیج فارس در پی تضعیف اسد پیش رفت. عربستان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده تسلیحات برای مخالفان سوری بود. انگیزه عربستان از دخالت در سوریه تضعیف موقعیت ایران بود، چراکه نگران تغییرات منطقه ناشی از همکاری ایران، عراق و سوریه بودند (Tarnawski, 2013).

- در حالی که عربستان سعودی در همه انقلاب‌های عربی به‌دنبال حفظ وضع موجود





بود، در سوریه به‌دنبال تغییر وضع موجود بود و با حمایت از گروه‌های تکفیری سلفی به‌دنبال سقوط اسد در جهت مقابله با نفوذ منطقه بود، اما ایران بر این باور بود که وقایع سوریه را نمی‌توان با وقایع مصر و تونس مقایسه کرد. تهران استدلال می‌کرد اوضاع سوریه شبیه یک جنگ داخلی است که توسط خارجیان تحریک می‌شود. ایران در پیوند با اسد به زنجیره مقاومت در برابر قدرت‌های استکباری و غربی تفسیر می‌کرد. ایران استدلال می‌کرد به‌دنبال شکاف شیعه و سنی در سوریه نیست، در عوض نیروهای مستکبر و غربی در پی قطع زنجیره مقاومت در جهت منافع اسرائیل و مخالف با مقاومت است. از این رو ایران آگاهانه اصطلاح بیداری اسلامی را در مورد وقایع سوریه به کار نمی‌برد (Furtig, 2013, p. 15).

۱-۲-۵. بحران یمن

• عربستان از ابتدا در بحران یمن درگیر شد چراکه هراس داشت همه شبه جزیره درگیر اعتراضات شود. عربستان بحران یمن را نتیجه دخالت مستقیم ایران در امور داخلی یمن می‌داند و هدف تهران را تضعیف ثبات و امنیت یمن می‌داند. ایران را مسئله می‌داند نه راه‌حل، حوثی‌ها را عروسک‌های ایرانی نامید و جنگ علیه حوثی‌ها را یک مبارزه ایدئولوژیک علیه ایران بیان نمود. این در حالی است که تحلیلگران بر این باورند که بعید است ایران سرمایه‌گذاری زیادی روی حوثی‌ها انجام دهد و نسبت به وابستگی شدید حوثی‌ها به ایران تردید دارند و کمک‌ها بیشتر بشردوستانه است. عربستان سعی کرد شکل‌گیری قدرت در یمن به نفع خود تأثیرگذار باشد. ایران نیز به نوبه خود سعی کرد نفوذ خود را در یمن گسترش دهد (Menshawy & Mabon, 2021). یمن به واسطه جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی منحصربه‌فرد و همچنین وجود جمعیت زیدی در این کشور اهمیت ویژه‌ای برای ایران دارد، تقویت جایگاه متحدان ایران در این کشور یک سرمایه راهبرده‌محسوب می‌شود. یمن کنترل بنادر، جزایر سوق الجیشی و تنگه باب‌المندب را در اختیار دارد که نقش مهمی در تجارت دریایی ایفا می‌کند. تسلط متحدان منطقه‌ای ایران بر تنگه باب‌المندب نفوذ راهبردی ایران در منطقه غرب آسیا را عمق می‌بخشد (Raga, 2020, p. 4).

• عربستان بحران یمن را یک بحران فرقه‌ای دانست که در آن زیدی‌ها به دلیل نزدیکی ایدئولوژیک به شیعیان توسط آنها تحریک شده‌اند. حتی در یک مصاحبه با الجزیره رهبر یک گروه ضدحوثی مخالفان خود را پارتی نامید. در مورد دخالت



ایالات متحده همانند بحران یمن، عربستان منتظر تأیید ایالات متحده برای مداخله نظامی در یمن نشدند. برخی تحلیلگران بر این باورند که ملک سلمان با واشنگتن برای این حمله در عوض توافق هسته‌ای ایران و اوپاما توافق نموده بود (Cerioli, 2018). این پیروزی برای نمایش اقتدار بن سلمان به‌عنوان اولین نوه عبدالعزیز ضروری بود. شکست در جنگ یمن می‌تواند یک شکست برای سیاست خارجی بن سلمان باشد. یمن و سرنوشت آن نقش مهمی در رهبری منطقه‌ای عربستان دارد (پیرانی، ۱۴۰۰، ص. ۸۱۲).

• حوثی‌ها یکی از گروه‌های قدرتمند هستند که پس از تحولات بیداری اسلامی، وارد محور مقاومت شدند. با آغاز بیداری اسلامی در ۲۰۱۱ در کشورهای عربی، جمهوری اسلامی ایران از حوثی‌ها و تلاش برای نقش‌آفرینی و نفوذ بیشتر در کشور یمن افزایش یافت. حمایت نظامی ایران از حوثی‌ها حداقل از سال ۲۰۱۱ تاکنون عمدتاً محدود به مسئله آموزشی بوده است. در قیاس با دیگر گروه‌های عراقی و حزب‌الله لبنان، حمایت‌های مالی و نظامی کمتری از حوثی‌ها انجام می‌شود. این گروه شکست‌های سنگینی به عربستان به‌عنوان یکی از رقبای منطقه‌ای ایران وارد ساخته‌اند. حوثی‌ها همچنین قادرند در جهت امنیت ایران، مواضع آمریکا در دریای سرخ و باب‌المندب را تهدید کنند. از سوی دیگر، مشغول بودن عربستان در جنگ یمن این کشور را برای مدتی از نقش‌آفرینی جدی در لایه‌های بازدارنده ایران در سوریه، عراق و لبنان باز داشت؛ چراکه این کشور در حیات خلوت با بحران جدی مواجه است. سیاست منطقه‌ای ایران در این بحران‌ها برای تأمین بقای و تقویت موقعیت خود در محیط پیرامونی است (Vogt & Jalilvand, 2020).

• همانند بحران بحرین ایران با اعتراضات در یمن همدل بود و به‌دنبال طرح این اعتراضات به‌عنوان «بیداری اسلامی» و متأثر از انقلاب اسلامی، ایران از مبارزات مردم یمن حمایت کرد و به‌ویژه از حوثی‌ها و آنها را یک سازمان سیاسی خطاب کرد که می‌توانند نقشی مشابه آنچه حزب‌الله در لبنان دارند ایفا کنند. البته ایران مراقب بود از هر گونه نزدیکی به این گروه برای درگیری‌ها خودداری کند، عربستان ایران را متهم به کمک به حوثی‌ها می‌کرد ولی ایران تأکید داشت کمک‌ها به یمن بشردوستانه و پزشکی بوده است (Cerioli, 2018).





۳-۵. تأثیر صلح ابراهیم بر مجموعه سیاسی - امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه

در رأس سلسله مراتب منطقه‌ای خاورمیانه، چهار قدرت اسرائیل، عربستان سعودی، ترکیه و ایران قرار دارند. این کشورها با چهار معیار عمده‌ای که در قدرت‌های منطقه‌ای اغلب مشترک است، مطابقت دارند: ادعای رهبری، در اختیار داشتن منابع انرژی لازم، بکارگیری راهبردهای موفق سیاست خارجی و پذیرش نقش رهبری توسط سایر دولت‌های منطقه (Kamrava, 2018). خاورمیانه که پس از جنگ دوم خلیج فارس شاهد حضور مؤثر دو ابرقدرت جهانی بود. پس از پایان جنگ سرد، منطقه شاهد صعود مستمر قدرت‌های سنی همسو با ایالات متحده، یعنی مصر، ترکیه و عربستان سعودی و متحدان خلیجی [فارس] آن، و مهار دوگانه ایران و عراق بود و عراق به ایران این فرصت را داد که به‌طور پیوسته نفوذ خود را در همسایگان جنگ‌زده خود در شرق و غرب گسترش دهد و تا دهه ۲۰۰۰ ایران به‌عنوان یک بازیگر مسلط در امور منطقه ظاهر شد (Kamrava) رقابت با سابقه ایران، عراق و عربستان با تحت فشار قرار گرفتن صدام و سپس سقوط وی با حمله آمریکا، به رقابت ایران و عربستان تبدیل شد و با توجه دیدگاه مخالف جمهوری اسلامی ایران در خصوص رهبری نظام جهانی توسط آمریکا، روابط گسسته و عمیق آمریکا با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و خصوصاً عربستان سعودی برقرار افزایش و موجب تقویت جایگاه این کشورها گردید، اما این روند با قدرت یافتن حزب‌الله در لبنان و شیعیان در عراق متحول شد. با خروج رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان در اثر مقاومت اسلامی شکل گرفته در آن کشور و تقویت حزب‌الله و همچنین قدرت یافتن شیعیان در عراق به‌عنوان اکثریت جامعه عراقی پس از سقوط صدام، محور مقاومت به‌عنوان یک ائتلاف به رهبری ایران ظاهر شد. این محور دارای مؤلفه‌های سلبی و ایجابی متنوعی است، اما یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های این محور را می‌توان مخالفت با رژیم صهیونیستی دانست؛ هر چند کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز همواره حداقل در اعلام مواضع خود، بر حمایت از فلسطینیان تأکید داشتند، اما این موضوع در محور مقاومت و ایران نمایان‌تر بود. رویارویی دو محور به رهبری ایران و عربستان در موضوعات مهمی مانند تحولات بیداری اسلامی، بحران سوریه و جنگ یمن آشکار بود (بابایی و میروسی، ۱۴۰۱، ص. ۸۳). بررسی این حوادث در بازه سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ نشان از غلبه نسبی محور مقاومت بر محور شواری همکاری خلیج فارس است. در



تحولات بیداری اسلامی حاکمان همسو و مورد حمایت غرب و عربستان سعودی سقوط کردند؛ سوریه و بشار اسد به‌عنوان عضوی از محور مقاومت در این محور حفظ شد و حکومت وابسته به عربستان در یمن ساقط شده و صنعا در اختیار انصارالله به‌عنوان عضوی از محور مقاومت قرار گرفت. از طرف دیگر، اسرائیل با وجود اینکه توسط دولت‌های منطقه به رسمیت شناخته نشده است، مورد حمایت گسترده و همه‌جانبه آمریکا قرار داشته و با نیروی نظامی و سلاح هسته‌ای خود، در زمره قدرت‌های منطقه‌ای طبقه‌بندی می‌شود. اگرچه اسرائیل یکی از بازندگان تحولات بیداری اسلامی بود، اما این تحولات باعث به‌وجود آمدن زمینه‌های همکاری مشترک میان اسرائیل و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شد که با روی کار آمدن ترامپ این همکاری‌ها بر مبنای تهدید مشترک ایران، گسترش قابل توجهی یافت و به امضای پیمان صلح آبراهام (ابراهیم) شد. این توافقنامه‌ها بر اساس ملاحظات امنیت ملی و به‌صورت دقیق‌تر برای تمرکز بر تهدید مشترک همه کشورهای منطقه (ایران) و متحدین مشترک (ایالات متحده) تنظیم شده‌اند (یادلین، ۱۳۹۹، ص. ۱۰). در حقیقت پیمان صلح ابراهیم با مهندسی دونالد ترامپ و جرد کوشنر بر اساس تغییر رویکرد کشورهای عربی در تعیین دشمن حاصل شده است. رئیس‌جمهور وقت آمریکا در اجلاس مه ۲۰۱۷ ریاض اذعان کرد که از شکل‌گیری جبهه متحد عبری - عربی بسیار خرسند است و از این جبهه در برابر تهدید مشترک ایران حمایت خواهد کرد (یادلین، ۱۳۹۹، ص. ۱۴)؛ بنابراین عربستان و آمریکا با داشتن یک تهدید مشترک در منطقه به ائتلاف راهبردی علیه جمهوری اسلامی ایران دست زدند (بهادرخانی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ص. ۲۰). همان‌گونه که با بررسی پیمان صلح آبراهام مشخص گردید، این پیمان شامل همکاری در ابعاد امنیتی نیز بوده و خصوصاً در پیمان صلح میان امارات و اسرائیل، علاوه‌براین بعد، بر آمادگی طرفین برای راه‌اندازی دستور کار راهبردها در خاورمیانه با مشارکت آمریکا تأکید شده است. ورود رژیم صهیونیستی به ائتلاف عربستان متشکل از برخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و شمال آفریقا و برقراری ارتباط در زمینه‌های ذکر شده در این توافق و به‌طور ویژه همکاری‌های امنیتی، می‌تواند سبب تغییر در توزیع قدرت منطقه‌ای شود. تقویت همکاری میان کشورهای امضاءکننده این پیمان با اسرائیل و گسترش احتمالی دامنه این کشورها می‌تواند توان عملیاتی محور مقاومت و به‌خصوص ایران را به چالش بکشد. یکی از نتایج قابل تصور این پیمان حضور امنیتی اسرائیل در خلیج فارس خواهد بود که





باعث ایجاد مسائل متعدد امنیتی در خلیج فارس برای جمهوری اسلامی ایران شده و موقعیت آن را در منطقه به خطر بیندازد، اما تشکیل ائتلافی با مشارکت اسرائیل در منطقه آثار به مراتب مهم‌تری بر توزیع قدرت در منطقه خواهد گذاشت. تضعیف سوریه و تحت فشار قرار گرفتن حزب‌الله لبنان، تضعیف عراق از طریق دامن‌زدن به اختلافات داخلی و افزایش فشار بر یمن همگی می‌توانند حاصل همکاری‌های نظامی، امنیتی، فناورانه و مالی کشورهای عضو پیمان آبراهام باشند. از طرف دیگر همکاری کشورهای عربی با اسرائیل باعث خروج آن از انزوای منطقه‌ای شده و موقعیت اسرائیل را در تحولات منطقه تقویت و با توجه به قابلیت‌های اقتصادی و فناورانه و نظامی آن به‌عنوان یک قطب منطقه‌ای مطرح خواهد شد (بابایی و میریوسفی، ۱۴۰۱، ص. ۸۴).

اراده صهیونیست‌ها در این است که این مجموعه امنیتی (خاورمیانه) بر اساس مراودات تجاری، اطلاعاتی و نظامی رشد یابد و هویت آن بر اساس دشمنی با ایران و ترویج ایران‌هراسی قوام پیدا کند. رژیم اسرائیل می‌خواهد در مقابل مجموعه امنیتی ایران، سوریه، حزب‌الله و حماس مجموعه امنیتی اسرائیل، امارات، بحرین، عربستان و آذربایجان را در کوتاه‌مدت ایجاد کند (حسینی، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۰)، که نشانه‌های تشکیل این مجموعه در حال آشکار شدن است. این ائتلاف که تحت سایه پیمان صلح ابراهیم در حال شکل‌گیری است، می‌تواند موجب تضعیف قطب مقاومت در خاورمیانه شده و مجموعه امنیتی خاورمیانه را با تحول درونی روبه‌رو سازد (بابایی و میریوسفی، ۱۴۰۱، ص. ۸۵).

۶. روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو به‌لحاظ رویکردی از نوع آمیخته اکتشافی است که در خلال آن داده‌ها در هر مرحله به‌صورت کیفی جمع‌آوری و سپس با کمک روش‌های کمی تجزیه و تحلیل، اولویت‌بندی و وزن‌دهی شده و سرانجام به اعتبارسنجی و نمایش داده پرداخته شده است. در این پژوهش به‌لحاظ هدف توسعه‌ای - کاربردی است که تلاش شده با توجه به‌وجود صلح ابراهیم بین کشورهای عربی و عبری، آینده مناسبات سیاسی - امنیتی ایران با عربستان سعودی به کمک سناریونویسی با روش کیفی سناریوی موسوم به GBN^۱ توصیف شوند.

۱. Global Business Network

جامعه آماری این پژوهش که بیشتر بر اساس مطالعه ادبیات و اکتشاف به‌دست آمده شامل ۲۰ نفر از نخبگان و خبرگان، کارگزاران و متصدیان حوزه امنیت - علوم سیاسی و آینده‌پژوهی با مدرک تحصیلی دکتری بوده که به‌صورت هدفمند کیفی برگزیده شده است. جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز با کمک بررسی‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و گروه‌های کانونی و در بخش کمی نیز با کمک بررسی‌های میدانی، مصاحبه و پرسشنامه گردآوری شده‌اند. بطوری‌که ابتدا قرار بود از ۲۰ نفر از نخبگان و خبرگان مصاحبه شود، اما پس از مصاحبه پانزدهم به بعد روند همپوشانی و تکرار مطالب مورد اشاره جامعه نمونه به سطحی رسید که مقوله جدیدی از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان کسب نگردید و با تأیید خبرگان و نخبگان پس از مصاحبه پانزدهم، کفایت و اشباع نظری تأمین گردید، و یافته‌های تحقیق بر اساس همان ۱۵ مصاحبه به پایان رسیده است. برای روایی (پایایی) تحقیق؛ پس از اخذ تأییدیه نخبگان و خبرگان در مرحله میدانی و فیش‌برداری و یادداشت‌برداری، به‌منظور روایی صوری، پرسشنامه در اختیار دو نفر از متخصصان قرار گرفت و پس از اصلاحات آنها، نسخه نهایی تهیه و مجدد به تأیید همان نخبگان رسید و پس از آن پرسشنامه در بین حجم نمونه که به روش هدفمند در دسترس انتخاب شده بودند، توزیع شد و برای اعتبار تحقیق؛ از متخصصان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و در مورد صحت آن و تفسیر و برداشت‌های محقق نظر دهند که درنهایت با اعلام‌نظر متخصصان یافته‌های این پژوهش مورد تأیید آنها قرار گرفته شده است.

مراحل نگارش سناریو در این تحقیق عبارت است از:

مرحله نخست؛ شناسایی موضوع و تصمیم اصلی است.

مرحله دوم؛ شناسایی و مطالعه نیروهای کلیدی است که طی آن با بررسی ادبیات، مصاحبه خبرگان و برگزاری گروه‌های کانونی و میزگرد خبرگی، عواملی که در آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی مؤثرند، تعیین و برای اولویت‌بندی، وزن‌دهی و تعیین میزان عدم قطعیت آنها از طریق پرسشنامه اقدام شد.

مرحله سوم؛ یافتن نیروهای پیشران در کلان محیط است. در این پژوهش پیشران‌ها از مدل ^۱ STEEPSMC (اجتماعی، فناوری، اقتصادی، زیست‌محیطی، سیاسی، امنیتی، نظامی و فرهنگی) دسته‌بندی شده‌اند.

۱. Social Technology Economic Environmental Political Security Military Cultural



مرحله چهارم؛ دربردارنده رتبه‌بندی عوامل کلیدی بر مبنای دو معیار است؛ میزان اهمیت در ایجاد مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و میزان عدم قطعیت احاطه‌کننده عوامل و روندها، این مرحله با کمک ابزار پرسشنامه انجام پذیرفته است.

مرحله پنجم؛ انتخاب منطق سناریو است که طی آن با پی‌گرفتن منطق علی بر اساس ماتریس حاصل از فعالیت رتبه‌بندی (وزن‌دهی) به ساختاردهی سناریو پرداخته شده است.

مرحله ششم؛ شکل‌گیری و توسعه سناریو است.

مرحله هفتم؛ بررسی مضامین سناریوهای مناسبات سیاسی - امنیتی انجام پذیرفت. و سرانجام در مرحله هشتم؛ زمان انتخاب «پیش‌نشانگرهاست^۱» که پس از خلق سناریوها و با توجه به روندهای بی‌بدیل انجام شد.

همچنین؛ برای ارائه توصیه‌های راهبردی با توجه به دیدبانی به‌عمل‌آمده از روش کوئست^۲ (دیدبانی سریع محیطی) استفاده شد. لازم به توضیح است؛ از مرحله ششم به بعد برای بررسی روایی و منطق علی حوادث و به‌منظور تأیید پیش‌نشانگرها و ارائه توصیه‌های راهبردی، سناریوها طی دو نوبت به قضاوت و تأیید خبرگان و نخبگان سپرده شده است.

۷. یافته‌های پژوهش

➤ در راستای سؤال فرعی اول مبنی بر اینکه؛ عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر در آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدام است؟

۱. Leading Indicators

۲. QUEST (The Quick Environmental Scanning Technique)



جدول (۱): عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر در آینده مناسبات سیاسی - امنیتی

ایران و عربستان سعودی

| میزان درصد عدم قطعیت از منظر خبرگان | عدم قطعیت | درصد اهمیت در بروز مناسبات سیاسی | میانگین اهمیت ایران و عربستان سعودی | میانگین اهمیت در بروز مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و عربستان سعودی | عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر در آینده مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و عربستان سعودی | نوع عامل | ردیف |
|-------------------------------------|-----------|----------------------------------|-------------------------------------|--|--|----------------|------|
| ۱۰۰-۰٪ | ۲۰-۰ | ۱۰۰-۰٪ | ۲۰-۰ | ۲۰-۰ | | | |
| ۵۵ | ۱۱ | ۶۵ | ۱۳ | ۱۳ | تلاش برای برهم زدن ثبات داخلی ایران از سوی کشور عربستان با تحریک اقوام و جریان‌های ناراضی و مخالف | سیاسی - امنیتی | ۱ |
| ۶۰ | ۱۲ | ۶۵ | ۱۳ | ۱۳ | توسعه روابط سعودی‌ها با رژیم صهیونیستی | | ۲ |
| ۴۰ | ۸ | ۵۵ | ۱۱ | ۱۱ | تحریک اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس از سوی سعودی‌ها علیه ج.ا.ایران | | ۳ |
| ۳۵ | ۷ | ۶۵ | ۱۳ | ۱۳ | توسعه جنگ‌های نیابتی و درگیری‌های نظامی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از سوی دو کشور در کشورهای عراق - یمن و... | | ۴ |
| ۴۵ | ۹ | ۶۵ | ۱۳ | ۱۳ | پیوستن سعودی‌ها به صلح ابراهیم | | ۵ |
| ۶۵ | ۱۳ | ۷۰ | ۱۴ | ۱۴ | توسعه توان هسته‌ای ایران و ایجاد توافق برجام | | ۶ |
| ۵۵ | ۱۱ | ۶۵ | ۱۳ | ۱۳ | افزایش فشار بر ایران به منظور کوتاه آمدن از تحرکات در منطقه | | ۷ |
| ۴۵ | ۹ | ۶۰ | ۱۲ | ۱۲ | افزایش رقابت سیاسی ایران و عربستان در منطقه | | ۸ |
| ۴۰ | ۸ | ۵۵ | ۱۱ | ۱۱ | تلاش برای هژمونی شدن در منطقه | | ۹ |
| ۳۵ | ۷ | ۵۰ | ۱۰ | ۱۰ | ایجاد ناتوی عربی | | ۱۰ |
| ۴۵ | ۹ | ۵۵ | ۱۱ | ۱۱ | قطعیت یافتن طرح صلح هرمز در منطقه | ۱۲ | |





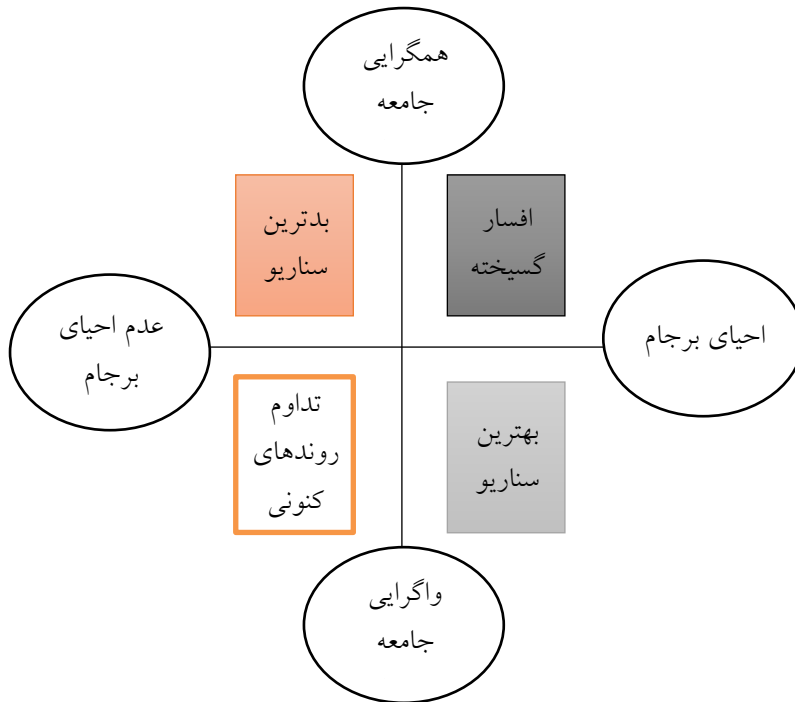
| ردیف | نوع عامل | عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر در آینده مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و عربستان سعودی | میانگین اهمیت در بروز مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و عربستان سعودی | درصد اهمیت در بروز مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و عربستان سعودی | عدم قطعیت | میزان درصد عدم قطعیت از منظر خبرگان |
|------|--------------------------|---|--|---|-----------|-------------------------------------|
| | | | ۲۰-۰ | ۱۰۰-۰٪ | ۲۰-۰ | ۱۰۰-۰٪ |
| ۱۳ | | تمایل ایالات متحده به تحریک در ایجاد درگیری نظامی در منطقه | ۱۳ | ۶۵ | ۱۱ | ۵۵ |
| ۱۴ | | توسعه روابط سیاسی - امنیتی عربستان سعودی با کشورهای روسیه و چین | ۱۲ | ۶۰ | ۱۱ | ۵۵ |
| ۱۵ | | افزایش کیفیت روابط با متعهد و متحد خود یعنی آمریکا | ۹ | ۴۵ | ۹ | ۴۵ |
| ۱۶ | | تلاش برای ایجاد اختلاف در بین شیعیان منطقه | ۱۰ | ۵۰ | ۸ | ۴۰ |
| ۱۷ | فناوری - نظامی | توسعه دفاعی موشکی و پهبادی ایران | ۱۲ | ۶۰ | ۱۱ | ۵۵ |
| ۱۸ | | توسعه توانمندی‌های الکترونیکی نظامی | ۹ | ۴۵ | ۷ | ۳۵ |
| ۱۹ | | توسعه فناوری‌های نظامی | ۱۳ | ۶۵ | ۸ | ۴۰ |
| ۲۰ | فرهنگی - اجتماعی و سیاسی | تفاوت‌های قومی و مذهبی بین ایران و عربستان سعودی | ۱۲ | ۶۰ | ۱۱ | ۵۵ |
| ۲۱ | | شکاف در امور داخلی و عدم تحقق انتظارات در جامعه سعودی با توجه به توسعه اصلاحات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی توسط محمد بن سلمان بر مبنای سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ | ۱۵ | ۷۵ | ۱۲ | ۶۰ |
| ۲۲ | اقتصادی - سیاسی | توسعه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی عربستان با کشورهای روسیه و چین و... بر مبنای سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ | ۱۴ | ۷۰ | ۱۱ | ۵۵ |
| ۲۳ | | توسعه انرژی‌های نو و تجدیدپذیر و کاهش اقتصادات نفتی در سازمان اوپک | ۱۲ | ۶۰ | ۱۱ | ۵۵ |
| ۲۴ | | تلاش ائتلافات آمریکا و عربستان و رژیم صهیونیستی برای افزایش | ۱۱ | ۵۵ | ۹ | ۴۵ |

| میزان درصد عدم قطعیت از منظر خبرگان | عدم قطعیت | درصد اهمیت در بروز مناسبات سیاسی | میانگین اهمیت در بروز مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و عربستان سعودی | امنیتی ایران و عربستان سعودی | عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر در آینده مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و عربستان سعودی | نوع عامل | ردیف |
|-------------------------------------|-----------|----------------------------------|--|------------------------------|--|------------|------|
| ۱۰۰-۰٪ | ۲۰-۰ | ۱۰۰-۰٪ | ۲۰-۰ | | | | |
| | | | | | تحریم‌ها و مهار اقتصادی ایران | | |
| ۴۰ | ۸ | ۶۰ | ۱۲ | | تلاش بین‌المللی و همکاری عربستان سعودی برای مبارزه با پدیده گرد و غبار (ریزگردها) و رفع بحران آب | زیست‌محیطی | ۲۵ |

بر اساس یافته‌های پژوهش عدم قطعیت و پیشران‌های مؤثر کلیدی و سناریوهایی که طی جلسات خبرگی (طوفان مغزی) و روایی و منطق علی حوادث که به تأیید خبرگان و نخبگان رسید عبارت‌اند از:



- ۱- توسعه توان هسته‌ای ایران و ایجاد توافق برجام.
- ۲- شکاف در امور داخلی و چالش در جامعه سنتی و عدم تحقق انتظارات (بین شاهزادگان آل سعود و نخبگان دانشگاهی و...) با توجه به سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی که توسط محمد بن سلمان رونمایی شده است.



شکل (۱): عدم قطعیت و پشیمان‌های موثر بر آینده مناسبات ایران و عربستان

➤ در راستای سؤال‌های اصلی و فرعی دوم، سوم و چهارم مبنی بر اینکه:

- ۱- با وجود توافقات و ائتلافات اخیر مانند صلح ابراهیم، سناریوهای آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدامند؟
- ۲- خطوط اصلی سناریوهای مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدامند؟
- ۳- پیش‌نشانگرهای سناریوهای مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان کدامند؟
- ۴- توصیه‌های راهبردی قابل قبول از آینده مناسبات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدامند؟

۱- بدترین سناریو

- همگرایی جامعه عربستان سعودی در اداره امور داخلی و منطقه‌ای و عدم احیای برجام از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا می‌تواند ضمن ایجاد ائتلاف تازه و یک هم‌پیمان بالقوه با رژیم صهیونیستی، افزایش همکاری‌های مشترک در آینده با

یکدیگر را افزایش داده و تسریع در اصلاحات اقتصادی - سیاسی و برونگرایی منطقه‌ای برای سعودی‌ها را با سرعت بیشتری حرکت دهد و همچنین، تلاش بیشتری را مصروف توسعه حوزه نفوذ نماید و درعین حال، با فشارهای وارده از سوی سعودی‌ها با همراهی اسرائیل، زمینه احیای برجام توسط آمریکا و اتحادیه اروپا محقق نگردیده و فشارهای ظالمانه از منظر اقتصادی - سیاسی - امنیتی و... برای ایران بیشتر شده و ایران در فضای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شرایط منزوی و بحرانی را نیز پیدا نماید. همچنین، هژمونی شدن عربستان و سلطه کامل این کشور در سطح منطقه و ورود کشورهای اروپایی در منطقه خلیج فارس و نفوذ رژیم صهیونیستی در همسایگی با ایران سرعت بالایی نیز نموده و از طرفی، حلقه‌ای از تهدیدات علیه ایران در منطقه شکل خواهد شد. همچنین، نفوذ ایران از طریق یمن کاهش یافته و محور مقاومت با چالش جدی روبه‌رو می‌شود. چشم‌انداز ۲۰۳۰ سعودی‌ها در مسائل سیاسی - اقتصادی - امنیتی محقق گردیده و عربستان از چهره سنتی به یک جامعه مدرن در منطقه و بین‌المللی تغییر پیدا خواهد نمود. از سوی دیگر، سعودی‌ها در فصل جدیدی از روابط با دیگر کشورهای قدرتمند اقتصادی - سیاسی و امنیتی وارد شده و ایران در مسائل اقتصادی با بحران‌های خیلی پیچیده و تازه‌ای در آینده روبه‌رو می‌گردد.

الف. خطوط اصلی این سناریو

- بازتولید دیپلماسی هسته‌ای و مذاکرات اجتناب‌ناپذیر با بن‌بست مواجه شده است.
- ایالات متحده و اتحادیه اروپا، همکاری با ایران را برای نیل به توافق نسبتاً پایدار در ارتباط با موضوع هسته‌ای تغییر داده‌اند و به میزان قابل توجهی این موضوع با سیاست‌های عربستان سعودی و اسرائیل همگونی و هماهنگی پیدا کرده است.
- کنش همکاری‌های دیپلماتیک ایالات متحده و اتحادیه اروپا با ایران با سیاست تأخیرات روبه‌رو شده و این اقدام در موضوعات راهبردی می‌تواند چالش‌های امنیتی جدیدی را در آینده برای ایران در منطقه به‌وجود آورد.
- رژیم صهیونیستی با اهداف مشخص علیه ایران دست به اخلاص‌گری در نظم منطقه‌ای و امور داخلی زده است.
- تحریم‌های ایجاد شده موجب مشکلات عدیده در مسائل اقتصادی و سیاسی برای ایران شده است.
- وجود جنگ‌های نیابتی در یمن، عراق و سوریه و لبنان و حضور قدرتمند محور مقاومت.





- روند عادی‌سازی و تحرکات اطلاعاتی - سیاسی - امنیتی بین اسرائیل و عربستان سعودی افزایش یافته است.

- تمرکز محمد بن سلمان در جهت تحقق چشم‌انداز ۲۰۳۰ با راهبردی جدید در زمینه سیاسی و اقتصادی در حال شکل‌گیری است.

ب. پیش‌نشانگرها

- با تحرکات اسرائیل و سعودی‌ها در مسائل داخلی و خارجی ایران، موجب شده تا در ذهنیت و ادراک راهبردی آمریکا و اروپا نسبت به ایران انگاره تردید در کنش تعاملی پایدار و اثربخشی به‌وجود آمده است.

- محکومیت ایران در سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت به‌منظور معرفی ایران به‌عنوان تهدیدی برای صلح بین‌الملل و حقوق بشر تحقق یافته است.

- حمایت‌های ایالات متحده در دوره بایدن از ادامه روند عادی‌سازی بین اسرائیل و همسایگان عرب اعلام شده است.

- روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی در حال افزایش است.

- ادبیات دیپلماتیک و رسانه‌ای آمریکا و متحدان خویش حالت چالش‌گرایانه پیدا نموده است.

- کنش رفتاری آمریکا به میزان قابل‌توجهی در مقایسه با سال‌های گذشته تغییر پیدا کرده است.

- ایجاد روابط جدید سعودی‌ها با کشورهای قدرتمند اقتصادی نظیر چین در حال افزایش است.

ج. توصیه‌های راهبردی

- توسعه و افزایش بازدارندگی و قدرت ایران در خاورمیانه، می‌تواند موجب ترس بین تل‌آویو و ریاض شده و این اقدام در ابتدا زمینه را برای ائتلاف و تقویت روابط در جهت تأمین امنیت بین عربستان سعودی و اسرائیل افزایش داده لیکن محمد بن سلمان را در میان فلسطینی‌ها و عموم مردم عربستان به یک چهره خائن تبدیل نموده و ادامه سلطنت طلبانه او را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌نماید.

- تغییر دیپلماسی هسته‌ای ایران به تحقق بگرام، موجب می‌شود که اجماع‌سازی آمریکایی و ترویکای اروپایی علیه هسته‌ای ایران محقق نشده و کشور از تحریم‌های ظالمانه و فشارهای اقتصادی خارج شده و سعودی‌ها به‌دنبال تقویت روابط با ایران برآمده و روابط اسرائیل با عربستان سعودی از حالت عادی‌سازی به حالت نامتداول تبدیل می‌شود.



- توسعه نفوذ و تقویت قدرت در یمن و جبهه مقاومت، موجب جلوگیری از ائتلاف عربی - عبری و محقق شدن خواسته‌های نفوذ و تسلط ایران از عربستان سعودی تا لبنان و پیوند آن به محور مقاومت برای جلوگیری از هر گونه تحرکات امنیتی - اطلاعاتی علیه ایران.

- حفظ و توسعه روابط اقتصادی و سیاسی ایران با کشورهای چین - هند - روسیه و... موجب می‌شود در آینده ایران به مزایای حاصل از انعطاف‌پذیری تاکتیکی و کنش راهبردی سازمان یافته بر اساس منافع دسته جمعی نائل شده و از تحت‌الشعاع قرار گرفتن سیاست‌های یک‌سویه خارج شود.

- تشکیل بلوک شرقی در برابر هژمونی آمریکا.

۲- سناریوی تداوم روند کنونی

- واگرایی جامعه عربستان سعودی در امور داخلی و منطقه‌ای در راستای سیاست‌های محمد بن سلمان موجب شده که بین خاندان پادشاهی و رهبران مذهب و سایر گروه‌ها، نزاع و شکاف جدی در امور سیاسی - اقتصادی بین آنها ایجاد شده و اتخاذ تصمیمات جاه‌طلبانه ولیعهد سعودی واگرایی این جامعه را بین رهبران و احزاب گروه‌های مختلف افزایش داده و سلطنت یک‌جانبه سعودی‌ها را به چالشی تازه‌ای وارد نموده و همچنین، احتمال انتقال قدرت در عربستان برای شاهزاده جوان قریب‌الوقوع است.

- با توجه به عدم تحقق برجام، ایران می‌تواند از طریق یمن به‌عنوان عرصه‌ای برای مشکل آفرینی بیشتر سعودی‌ها استفاده نماید و از سرگیری حملات موشکی و پهپادی حوثی‌ها علیه عربستان، برنامه افق چشم‌انداز ۲۰۳۰ را که برای محمد بن سلمان و جامعه همسوی او بسیار مهم بوده می‌تواند تضعیف نماید؛ بنابراین عربستان نمی‌خواهد ایران از این حربه تهدید علیه امنیت خود همچنان در دسترس داشته باشد، از این‌رو در قبال ایران با رویکرد دیپلماتیک، نتیجه مثبت و مؤثرتری خواهد نمود.

- تداوم تعارضات منطقه‌ای با ایران و تلاش برای استفاده از اهرم‌های فشار بین‌المللی و همکاری با اروپا و اسرائیل برای مقابله با جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران از ویژگی‌های این شرایط است.

- تداوم عادی‌سازی روابط عربستان سعودی با اسرائیل موجب افزایش واگرایی در جامعه عربستان سعودی و فلسطینی‌ها می‌شود، زیرا سعودی‌ها به‌دنبال حل مسئله فلسطین از طریق اسرائیل نیستند، بلکه به‌دنبال تضامین‌های امنیتی در منطقه از واشینگتن از طریق اسرائیل می‌باشند.





الف. خطوط اصلی سناریو

- تحریم‌ها شرایط را برای اقتصاد و مردم ایران سخت کرده و فشارهای سیاسی و بین‌المللی برای ایران افزایش یافته است.
- استحکام و تداوم همگرایی بین اسرائیل و عربستان سعودی رو به افزایش است.
- خروج آمریکا از منطقه غرب به سمت شرق (آس‌آن) و تحرکات اروپا به سمت غرب آسیا و منطقه خلیج فارس در حال شکل‌گیری است.
- آمریکا و اتحادیه اروپا فشارهای هسته‌ای و تحریم‌های ظالمانه را علیه ایران افزایش داده و برنامه هسته‌ای ایران از طریق دیپلماسی روند خوبی را دنبال نمی‌نماید.
- حل مسئله یمن برای سعودی‌ها به یکی از مسائل مهم برای آنها تبدیل شده و شکل‌گیری برای ایجاد روابط دیپلماتیک با ایران در جهت رفع تهدیدات از سوی حوثی‌ها و جلوگیری از نفوذ ایران در آن کشور است.
- تلاش سعودی‌ها برای دور نمودن متحدان منطقه‌ای و دوستان ایران از این کشور به‌منظور کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران است.
- تحرکات اکراد در منطقه با حمایت رژیم صهیونیستی، عربستان و آمریکا توسعه یافته است.
- افزایش برای قیمت نفت و فشار برای کاهش فروش نفت ایران از سوی سعودی‌ها همچنان ادامه دارد.
- عربستان سعودی در زمره کشورهای تأثیرگذار در جهان عرب محسوب می‌شود و نقش محوری و تعیین‌کننده و اثر بخش در سیاست‌های کشورهای جهان عرب را به عهده دارد و از قابلیت اقتصادی ویژه‌ای در قرن ۲۱ با توجه به چشم‌انداز ۲۰۳۰ برخوردار خواهد بود و برای اینکه نقش مؤثری در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی را به‌دست آورد به‌دنبال افزایش توسعه روابط با کشورهای بزرگ اقتصادی مانند چین می‌باشد.

ب. پیش‌نشانگرها

- واگرایی داخلی و افزایش تعارضات سیاسی و اجتماعی در جامعه عربستان سعودی
- افزایش تحرکات در یمن و لبنان و تداوم حضور محور مقاومت در منطقه
- همراهی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه برنامه هسته‌ای ایران و عدم تحقق برجام
- عادی‌سازی روابط عربستان سعودی با اسرائیل



ج. توصیه‌های راهبردی

- افزایش حمایت از حوثی‌های یمن و تقویت قدرت آنها در منطقه از سوی ایران و متحدان.

- عدم نگاه سطحی به سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌الملل و برنامه‌ریزی و تحلیل‌های امنیتی صحیح از سوی تحلیلگران و سیاستمداران و کارشناسان امور خارجه در زمینه ائتلافات سعودی و صهیونیستی، تا ایران در وضعیت غافلگیری و رویاگرایی قرار نگیرد.

- سیاست بین‌الملل، عرصه کنش تعاملی تمام بازیگرانی است که درصدد حداکثرسازی منافع، امنیت و قدرت هستند؛ در فضای سیاست بین‌الملل، هیچگاه کنش بازیگران بر اساس منافع و اراده متحد یا شریک منطقه‌ای حاصل نمی‌شود. سیاست بین‌الملل عرصه درهم‌تنیده رقابت‌های منطقه‌ای برای نیل به شکل سازمان یافته و تکاملی از همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه خواهد بود و این موضوع از سوی سعودی‌ها نسبت به مسائل منطقه‌ای و بین‌الملل در حال انجام است که می‌بایست از سوی ایران در این عرصه مورد توجه جدی قرار گیرد.

- سیاست‌های ایران در زمینه اقتصادی می‌بایست از سوی دولتمردان و سیاستمداران اقتصادی مورد تجدیدنظر واقعی در جهت رسیدن به شرایط مطلوب قرار گیرد در غیراین صورت با ادامه روند کنونی و ایجاد آدرس‌های غلط به جامعه موجب می‌شود تا آمریکا و متحدان اروپایی به همراه اسرائیل و سعودی‌ها، فرصت بیشتری را برای افزایش تحریم‌ها و عدم تحقق در برجام و دیگر اقدامات تعارض‌آمیز در منطقه علیه ایران را به دست آورند.

- افزایش پوشش‌های رسانه‌ای و تبلیغات گسترده از سوی ایران علیه سیاست‌های مداخله جویانه سعودی‌ها و بزرگ‌نمایی نقاط ضعف و مشکلات داخلی و خارجی این کشور.

۳- بهترین سناریو

- واگرایی در جامعه عربستان سعودی در اداره امور داخلی و منطقه‌ای شرایط را برای پادشاهی سعودی سخت‌تر کرده و نزاع‌های داخلی بین گروه‌ها، شیوخ وهابی و سعودی و فشار حملات حوثی‌ها و ترس از نفوذ ایران در خاک کشورش موجب کاهش مشروعیت سیاسی در عربستان گردیده و تلاش عربستان سعودی برای حفظ امنیت خود در منطقه از طریق اسرائیل پیشنهادهایی برای همکاری‌های گسترده با ایالات متحده برای مهار ایران در عملیات‌های سری و مخفی فراگیر و نه جنگی را





داخل کشور ایران را داده است و اگر ایران در آستانه صلح‌آمیز هسته‌ای موفق شود آمریکا و اتحادیه اروپا گام‌هایی را برای بررسی روابط با ایران برداشته و این نشانه‌های خوبی برای اسرائیل و عربستان سعودی در مراحل عادی‌سازی‌های ایجاد شده در روابط و سناریوهای مورد نظر بین آنها نخواهد بود. لیکن مشکلات اصلی آمریکا در این میان در وهله نخست کنگره است و مخالفت‌های دموکرات‌های کنگره مربوط به پرونده ترور خاشقجی به‌رغم دست‌داشتن بن سلمان در این ترور و مخالفت جمهوری خواهان به دلیل حفظ منافع سیاسی در این منطقه می‌باشد. در وهله دوم، احیای برجام شرایط را برای نحوه اقدام آمریکا با متحدان خود را سخت نموده است. در وهله آخر، ایالات متحده برای مهار اقتصادی چین و هند، اولویت خود را به حضور در منطقه آسیای شرقی قرار داده است؛ بنابراین عربستان به دلیل نگرانی در مدیریت بحران داخلی و منطقه‌ای، تمایل برای رویارویی با ایران را نیز نداشته از این‌رو، حجم تهدیدات خود را علیه ایران کاسته و نرمش قابل توجهی در سیاست‌های این کشور علیه ایران مشاهده می‌شود.

الف. خطوط اصلی این سناریو

- نرمش انعطاف‌پذیری در سیاست‌های منطقه‌ای عربستان در مقابل ایران مشاهده می‌شود.
- حجم تهدیدات امنیتی ایران به دلیل درگیری‌های داخلی و منطقه‌ای عربستان تا حدودی کاسته شده لیکن رقابت‌های منطقه‌ای در جریان است.
- عادی‌سازی در روابط سعودی و صهیونیستی و تلاش‌های سرسخت اسرائیل - عربستان سعودی و آمریکا برای مهار قدرت ایران در منطقه ادامه دارد ولی برجام همچنان حیات نیز دارد.
- واگرایی در جامعه عربستان سعودی به دلیل درگیری‌ها و نزاع‌های داخلی و منطقه‌ای تمایل با رویارویی با ایران دیگر نداشته و در آینده نزدیکی عربستان به ایران وجود دارد.
- وجود نارضایتی‌های داخلی و اختلاف بین شیوخ سعودی و وهابی و شاهزادگان احتمال مجدد کودتا و برکناری محمد بن سلمان از رسیدن به سلطنت پادشاهی وجود دارد.
- ایالات متحده برای مهار اقتصادهای بزرگ شرق آسیا اولویت خود را در این منطقه قرار داده و برنامه‌ایی برای تداوم خود در غرب آسیا نیز ندارد.
- سیاست خارجی منقطع عربستان با ایران ادامه دارد.



- همکاری‌های مخفی و سری بین اسرائیل و عربستان علیه ایران ادامه دارد.
- تولید نفت عربستان به دلیل مسائل ناشی از درگیری‌های داخلی تحت تأثیر قرار گرفته و این موضوع فرصت مناسبی برای اقتصاد ایران است.

ب. پیش‌نشانگرها

- کاهش حجم تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی عربستان علیه ایران.
- تداوم تنش‌های داخلی و منطقه‌ای در عربستان سعودی.
- تغییر سیاست‌های آمریکا از منطقه غرب آسیا به شرق آسیا.
- تلاش آژانس هسته‌ای بین‌المللی از سرگیری توافقات برجام بین ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا.
- تداوم سیاست‌های جاه‌طلبانه محمد بن سلمان در مسائل امور اجتماعی و فرهنگی عربستان.
- افزایش قدرت حوثی‌های یمن و محور مقاومت در منطقه و نگرانی‌های سعودی‌ها از توسعه نفوذ ایران به خاک این کشور.

ج. توصیه‌های راهبردی

- تلاش برای احیای برجام از سوی ایران و همکاری‌های برد - برد با آمریکا و اتحادیه اروپا.
- توسعه همکاری‌های مشترک با کشورهای عربی منطقه.
- عدم سطحی نگری به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین؛ هوشمندی و عقلانیت در رفتار سیاست خارجی.
- نظارت، تحلیل و مدیریت از عادی‌سازی روابط سعودی و صهیونیستی.

۴- افسار گسیخته این سناریو

- همسویی و همگرایی در جامعه سعودی موجب افزایش اعتماد در امور داخلی و منطقه‌ای عربستان شده و می‌تواند موجب یک‌جانبه‌گرایی در توسعه منطقه‌ای و شرایط سخت و تقابل‌گرایی علیه ایران شود. همچنین، احیای برجام، عربستان را در مسیری مستقل با رویکردهای مختلف در منطقه و نزدیکی بیشتر با اسرائیل و کشورهای شرق آسیا چین - روسیه - هند و... قرار داده و باعث ایجاد توطئه‌های مختلف و استمرار رقابت منطقه‌ای با ایران می‌شود. ایجاد دیپلماسی صلح‌آمیز هسته‌ای و تغییر سیاست‌های آمریکا از غرب به شرق آسیا، ایران را در شرایط هژمونی در منطقه تبدیل نموده و سعودی‌ها در تعارضات بیشتری علیه ایران قرار می‌گیرند. بنابراین، اتحاد ناتوی عربی و ائتلاف عربی - عبری و همراهی کشورهای





شرق آسیا و بحران‌های سیاسی پیچیده و متداوم را در منطقه ایجاد می‌نماید و از سوی دیگر، تلاش سعودی‌ها برای ایجاد توازن در منطقه از طریق ایجاد بحران‌های مختلف مانند ائتلاف‌ها عربی - عبری و عادی‌سازی روابط با اسرائیل، نظم منطقه‌ای را به بی‌نظمی تبدیل خواهد نمود.

الف. خطوط اصلی این سناریو

- تداوم نگاه شرق از سوی عربستان پیرامون مسائل سیاسی - امنیتی و اقتصادی دنبال می‌شود؛ مانند بیانیه مشترک چین و عربستان.
- کنش راهبردی آمریکا و کشورهای اروپایی مبتنی بر تصاعد دیپلماسی اجبار و فشارهای فزاینده در ارتباط با ایران، بیانگر آن است که برجام هنوز حیات دارد.
- عدم همراهی آمریکا در مسائل سیاسی - امنیتی عربستان، موجب کاهش تأثیرگذاری این کشور در منطقه شده است.
- عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل و نزدیکی بیشتر آنها بیانگر استمرار رقابت‌های منطقه‌ای، نبردهای نیابتی و افزایش جنگ و درگیری‌های قومی و مذهبی در ایران است.
- ریاض به دنبال ائتلاف‌سازی عربی علیه ایران و تحقق ناتوی عربی در منطقه می‌باشد.
- همگرایی جامعه سعودی، تلاش سعودی‌ها برای معرفی ایران به‌عنوان کشوری بی‌ثبات‌ساز و ائتلاف‌سازی علیه ایران در سطح منطقه و بین‌الملل است.

ب. پیش‌نشانگرها

- افزایش همراهی عربستان سعودی و اسرائیل برای تضعیف و فرسایشی ایران در منطقه و تلاش در جهت رسیدن به اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی.
- تلاش عربستان سعودی و اسرائیل برای دیپلماسی اجبار آمریکا و اروپا علیه ایران گسترش یافته و تغییر فشار از متقاطع به متراکم تبدیل شود.
- تلاش سعودی سعودی و صهیونیستی برای محدود کردن ایران در منطقه و بین‌الملل با هدف تحلیل قدرت ایران.
- تلاش و تمرکز عربستان در امور اقتصادی داخلی برای ایجاد اتحاد و همگرایی در جامعه سعودی.
- کنش‌گری منطقه‌ای و بین‌المللی عربستان سعودی به سمت شرق آسیا و مستقل شدن از آمریکا.
- تلاش و همکاری ایالات متحده و اتحادیه اروپا از ترمیم شکاف‌ها در جهت رسیدن به توافق نسبی در برجام.



ج. توصیه‌های راهبردی

- نظارت، تحلیل و مدیریت از عادی‌سازی روابط سعودی و صهیونیستی.
- توسعه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی و همکاری‌های همه‌جانبه با کشورهای شرق و غرب آسیا و اروپا.
- افزایش قدرت مبتنی بر دیپلماسی عقلانیت راهبردی نه اعلامی برای موازنه منطقه‌ای در جهت تعادل برای تغییر معمای امنیتی شکل گرفته و ابهام در برنامه هسته‌ای ایران.
- انعطاف‌پذیری ایران به‌عنوان ابزاری برای چانه‌زنی قدرت در منطقه.
- استفاده از ادبیات تکنیکال در جهت ضرورت‌های معادله قدرت در برابر آمریکا و اروپا.
- تغییر ادراک ایران و اتحادیه اروپا و آمریکا در جهت رسیدن به منافع ملی و قدرت در آینده و در چارچوب اقدامات مشترک در قالب توافقات و امتیازات به شکل برد - برد.
- خودداری از گسست فضای علمی با فضای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری خارجی ایران در برجام.
- تقویت انسجام داخلی در برابر اتخاذ تصمیمات سعودی‌ها و صهیونیست‌ها علیه ایران.
- تلاش و اجرای سیاست‌های دولت در راستای اجماع‌سازی و بحث‌های کارشناسی از سوی نخبگان در امور منطقه‌ای و بین‌المللی.
- اجرای جهاد تبیین در سیاست‌گذاری‌های خارجی از سوی مجموعه‌های نخبگان.
- افزایش و تولید عرصه دانش در امور منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی نخبگان و متخصصان برای کسب قدرت و منافع ملی.

فهرست منابع

- اختیاری امیری، رضا و دهرویه، عباس (۱۴۰۰). چالش‌های داخلی عربستان در پیشبرد سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ در چارچوب نظریه دولت توسعه‌ای. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۱۳(۱)، ۱۴۶-۱۱۳.
- امیری‌مقدم، رضا؛ امینی، سیدجواد و فیاضی، داود (۱۳۹۷). سناریوهای تهدیدیات امنیتی عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. *فصلنامه امنیت ملی*، ۹(۳۲).
- آدمی، علی و مشتاقی، الله‌کرم (۱۳۹۹). الگوی سیاست خارجی عربستان سعودی بر

اساس سند چشم‌انداز ۲۰۳۰. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۲(۵)، ۱۳۰-۱۰۰.

بابایی، محمد و میریوسفی، میرعلی (۱۴۰۱). تأثیر پیمان صلح آبراهام (ابراهیم) بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه. *مطالعات فرهنگ دیپلماسی*، ۱(۱)، ۷۰-۹۲.

بهادر خانی، محمدرضا و دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۹). تأثیر تروریسم بر تغییر الگوی روابط دشمنی در مجموعه امنیتی غرب آسیا (۲۰۰۱-۲۰۱۹). *سیاست دفاعی*، ۲۸(۱۱۱)، ۱-۳۲.

پارسایی، جعفر (۱۴۰۰). واکاوی عوامل واگرایی و تقابل در روابط ایران و عربستان. *سیاست خارجی*، ۳۵(۱)، ۸۳-۱۱۴.

پرتو، امین (۱۴۰۰/۱۹۱۲). فضای جدید همزیستی عربستان با ایران. شورای راهبردی روابط خارجی: <https://www.scfr.ir/fa/?p=140464>

پیرانی، شهره (۱۴۰۰). راهبرد سیاسی ایران و عربستان در موج دوم بیداری اسلامی در کشورهای بحرین، سوریه و یمن. *فصلنامه راهبرد*، ۳۰(۴)، ۷۹۱-۸۲۷.

حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۹). موانع فزاینده منطقه‌گرایی درون‌زا در خاورمیانه از منظر مکتب کپنهاگ. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۰(۴)، ۱۴۶-۱۲۵.

حشمت‌زاده، محمدباقر؛ قائمی، یاسر و جمور، لیلا (۱۳۹۷). سیاست‌های منطقه‌ای ستیزه‌جویانه عربستان سعودی در قبال ج.ا.ایران (۲۰۰۳-۲۰۱۷)، دلایل، اهداف و پیامدها. *فصلنامه راهبرد*، ۲۷(۳)، ۱۵۹-۱۳۳.

شاپوری، مهدی و نورعلی‌وند، یاسر (۱۳۹۷). عربستان سعودی: تحولات، چالش‌ها و چشم‌انداز. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هاوس، کارن الویت (۱۳۹۴). *درباره عربستان: مردم، گذشته، دین، خطوط گسست و آینده*. ترجمه فاطمه مهسا کارآموزیان و مرتضی رجایی خراسانی. تهران: مرتضی رجایی خراسانی.

یادلین، عاموس (۱۳۹۹). عادی‌سازی روابط اسرائیل با حوزه خلیج فارس. *گفتمان راهبردی فلسطین (ترجمه فارسی مقاله عبری)*، ۲(۴)، ۲۰-۱.

Arraf, J. (2014, March12). Iraq's Sunni tribal leaders say fights for Fallujah is part of a revolution. *Washington Post*.

Blanchard, C. (2021). Saudi Arabia: Background and U.S. Relations. Congressional Research Service Retrieved from <https://sgp.fas.org/crs/mideast/RL33533.pdf>, 40.



- Cerioli, L. G. (2018). Roles and International Behaviour: Saudi-Iranian Rivalry in Bahrain's and Yemen's Arab Spring. *Contexto internationala*, 295-317.
- Fürtig, H. (2013). Iran and the Arab Spring: Between Expectations and Disillusion. German Institute for Global and Area Studies (GIGA). Retrieved from https://www.jstor.org/stable/resrep07585?seq=1#metadata_info_tab_contents, 15.
- Kamrava, M. (2018). Multipolarity and instability in the Middle East. *Orbis*, (62), 598-616.
- McGinn, J. (2018). Saudi Arabia and Iran: Beyond Conflict and Coexistence? f. Middle East Centre. Retrieved from https://eprints.lse.ac.uk/89829/1/MEC_Saudi-ArabiaIran_Published.pdf, 9.
- Menshawy, M. & Mabon, S. (2021). Saudi Arabia and Iran have not always been foes. Retrieved from <https://www.aljazeera.com>; <https://www.aljazeera.com/opinions/2021/3/13/sectarianism-and-saudi-iranian-relations>.
- Raga, A. (2020). The Bab el-Mandeb strait: Geopolitical considerations of the strategic chokepoint. www.ieee.es. Retrieved from https://www.ieee.es/Galerias/fichero/docs_opinion/2020/DIEEEE019_2020ANAAGU_BabMandeb_ENG.pdf, 4.
- Tarnawski, M. (2013). Tarnawski, M. (2013). Regional Implications of the Arab Spring. *.doi:https://doi.org/10.14746/ps.2013.1.8*.
- Vogt, A. & Jalilvand, D. (2020). ONE YEAR AFTER THE REIMPOSITION OF SANCTIONS. *FRIEDRICH-EBERTSTIFTUNG*. Retrieved from <https://library.fes.de/pdffiles/iez/15761.pdf>.



References

- Adami Ali, Moshtaghi Allahkaram (2020) Saudi Arabia's Foreign Policy Based on 2030, *The Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 2(5), 100-130. (In Persian)
- Amiri Moghaddam Reza, Amini Seyyed Javad, Noroozi Mohsen, Davood Fayyazi (2019) Saudi Arabia's Security Threat Scenarios against the Islamic Republic of Iran, *The Quarterly Journal of National Security*, 9(32 - Serial Number 32), 23-49. (In Persian)
- Arraf, J. (2014, March 12). Iraq's Sunni tribal leaders say fights for Fallujah is part of a revolution. *Washington Post*.
- Babaei Mohammad, Mir Yousefi Mir Ali (2022) Impact of the Abraham Peace Accords on the Middle East Regional Security Complex, *Diplomacy Culture Studies*, 1(1), 70-92. (In Persian)
- Bahadurkhani Mohammadreza, Dehghani Firouzabadi Seyyed Jalal (2019) The impact of terrorism on changing the pattern of hostile relations in the security complex of West Asia (2001-2019), *Defense Policy*, 28(111), 1-33. (In Persian)
- Blanchard, C. (2021). Saudi Arabia: Background and U.S. Relations. Congressional Research Service Retrieved from

<https://sgp.fas.org/crs/mideast/RL33533.pdf>, 40.

Cerioli, L. G. (2018). Roles and International Behaviour: Saudi-Iranian Rivalry in Bahrain's and Yemen's Arab Spring. *Contexto International*, 295-317.

Ekhtiyari Amiri Reza & Dehrouyeh Abbas (2021) Studying Internal Challenges and Obstacles Of Saudi Vision 2030 In the Framework of Theory of Developmental State, *Foreign Relations Quarterly*, 13(1-Serial Number 49), 113-146. (In Persian)

Fürtig, H. (2013). Iran and the Arab Spring: Between Expectations and Disillusion. German Institute for Global and Area Studies (GIGA). Retrieved from https://www.jstor.org/stable/resrep07585?seq=1#metadata_info_tab_contents, 15.

Heshmatzadeh, Mohammad Baqer, Qaemi, Yasser, Jamour, Leila Saudi Arabia's Militant Regional Policies Versus the Islamic Republic of Iran (2003-2017): Reasons, Objectives and Consequences, *The Scientific Journal of Strategy*, 27(2), Number 88, 133-160. (In Persian)

Hoosseini, Seyed Mohammad (2021) The obstacles of endogenous regionalism in Copenhagen security theory In the Middle East, *The Quarterly Journal of International Relations Researches*, 10(4-Serial Number 39), 125-146. (In Persian)

House Karne Elliott (2014) About Saudi Arabia: people, past, religion, fault lines and Future, Translators: Fatemeh Mehssa Karamouzian, Morteza Rajaei Khorasani, Publisher: Morteza Rajaei Khorasani, Tehran, Iran. (In Persian)

Kamrava, M. (2018). Multipolarity and instability in the Middle East. *Orbis*, (62), 598-616.

McGinn, J. (2018). Saudi Arabia and Iran: Beyond Conflict and Coexistence? f. Middle East Centre. Retrieved from https://eprints.lse.ac.uk/89829/1/MEC_Saudi-ArabiaIran_Published.pdf, 9.

Menshawy, M. & Mabon, S. (2021). Saudi Arabia and Iran have not always been foes. Retrieved from <https://www.aljazeera.com>; <https://www.aljazeera.com/opinions/2021/3/13/sectarianism-and-saudi-iranian-relations>.

Parsai Jafar (2021) Analyzing the factors of divergence and confrontation in the relations between Iran and Saudi Arabia, *Journal of Foreign Policy*, 35(1), 83-114. (In Persian)

Parto, Amin (2022) The new space of coexistence between Saudi Arabia and Iran, the Strategic Council for Foreign Relations, Available online: <https://www.scfr.ir/fa/300/30102/140464/> (In Persian)

Pirani Shohreh (2022) The Political Strategy for Iran and Saudi Arabia in the Second Wave of Islamic Awakening in Bahrain, Syria and Yemen, *The Scientific Journal of Strategy*, 30(4), 791-827. (In Persian)

Shapouri Mehdi, Nur Alivand Yaser (2017) Saudi Arabia: Developments, Challenges and Prospects, Strategic Studies Research Institute, Tehran, Iran. (In Persian)

Raga, A. (2020). The Bab el-Mandeb strait: Geopolitical considerations of





- the strategic chokepoint. www.ieee.es. Retrieved from https://www.ieee.es/Galerias/fichero/docs_opinion/2020/DIEEEE019_2020ANAAGU_BabMandeb_ENG.pdf, 4.
- Tarnawski, M. (2013). Tarnawski, M. (2013). Regional Implications of the Arab Spring. .doi:<https://doi.org/10.14746/ps.2013.1.8>.
- Vogt, A., & Jalilvand, D. (2020). ONE YEAR AFTER THE REIMPOSITION OF SANCTIONS. FRIEDRICH-EBERTSTIFTUNG. Retrieved from <https://library.fes.de/pdffiles/iez/15761.pdf>.
- Yadlin Amos (2020) Normalization of Israeli ties with the Persian Gulf Countries, Quarterly Journal of Palestine Strategic Discourse, 2(4), (In Persian)

